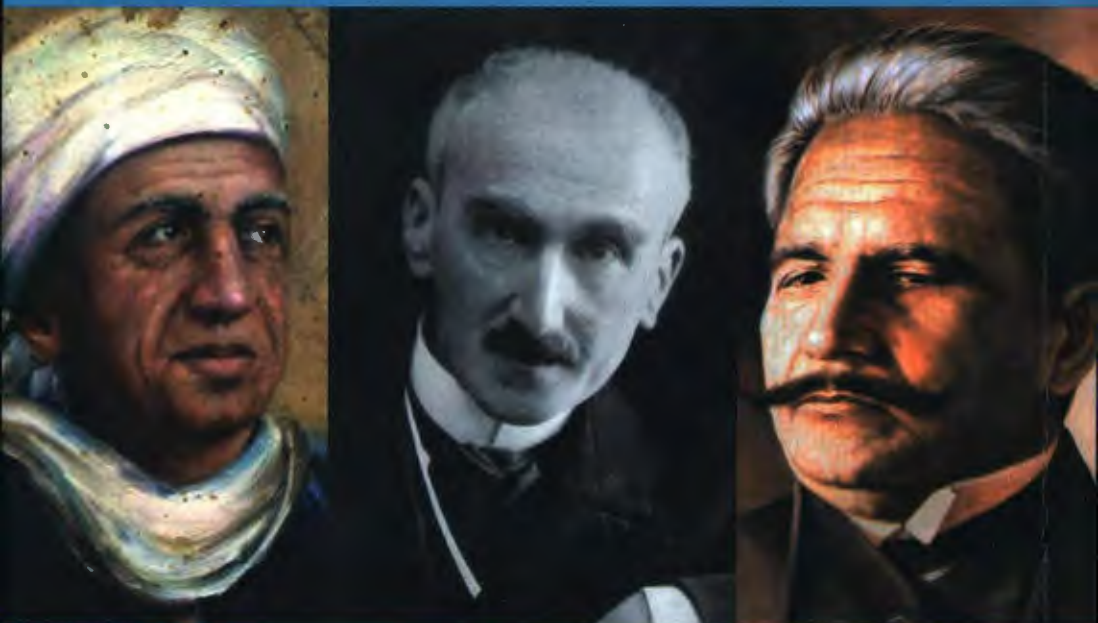


حقیقت و حیرت

مطالعهٔ بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون

علامه اقبال لاهوری



دکتر تحسین فراقی

دکتر علی بیات

۷۲۱۹۰۹

به نام خدا



کتابخانه تخصصی ادبیات

حقیقت و حیرت

مطالعه‌ی بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون

علامه محمد اقبال لاهوری

به کوشش و پژوهش
دکتر تحسین فراقی

مترجم
دکتر علی بیات



پرنیان خیال

تهران ۱۳۹۵

سرشناسه:

اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸
Iqbal, Muhammad, ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸

عنوان و نام پدیدآور:

حقیقت و حیرت: مطالعه‌ی بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون/ محمد اقبال لاهوری؛

مشخصات نشر:

به کوشش و پژوهش تحسین فراقی؛ مترجم علی بیات.
تهران: پرنیان خیال، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری:

۱۲۰ ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

فروست:

انتشارات پرنیان خیال؛ ۱۲

ادبیات سبک هندی؛ ۰۴

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۶۶-۴-۸

وضعیت فهرست نویسی:

فیپا

یادداشت:

فارسی - انگلیسی.

یادداشت:

عنوان به انگلیسی: Bedil in the Light of Bergson.

موضوع:

بیدل دهلوی، عبدالقادرین عبدالخالق، ۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع:

برگسون، هانری لویی، ۱۸۵۹ - ۱۹۴۱ م. -- نقد و تفسیر

موضوع:

Bergson, Henri Louis -- Criticism and interpretation

موضوع:

شاعران هندی (فارسی‌زبان) -- قرن ۱۲ ق.

موضوع:

18th century -- (Poets, Indic - Persian)

شناسه افزوده:

فراقی، تحسین

شناسه افزوده:

بیات، علی، ۱۳۵۲ - مترجم

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۵ ح۷ الف/۵/۱۲۲۱ PIR

رده‌بندی دیویی:

۰۰۹/۸۱۴

شماره کتابشناسی ملی:

۴۵۰۷۵۷۰



پرنیان خیال

تهران، فلکه دوم صادقیه، خ اعتمادیان، پلاک ۱۹

تلفن: ۰۹۳۰۶۴۱۷۳۳-۴۴۹۵۴۹۸۲

www.parneyankheyay.com

Email: moalish@yahoo.com

حقیقت و حیرت

علامه اقبال لاهوری، دکتر تحسین فراقی

مترجم دکتر علی بیات

چاپ نخست (ویرایش دوم)

۱۰۰۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ: نسیم

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۶۶-۴-۸

ISBN: 978-600-96366-4-8

شماره کتاب: ۱۲

سخن‌ناشر

شاعران بزرگ در بنانه‌های اندیشه‌های جهانی خود بی‌گمان از آبخورهای مختلفی بهره‌مند می‌شوند. درباره‌ی بیدل دهلوی، شاعر پارسی زبان قرن دوازدهم، می‌دانیم که او علاوه بر آشنایی با شعرا و فلاسفه‌ی ایرانی با آثار فلسفی و ادبی هند و متون کهن آن آشنایی فراوانی داشته است. وقتی بیدل در سال ۱۶۴۴ م به دنیا آمد، چهل سال از نفوذ بریتانیا در هندوستان و تأسیس کمپانی هند شرقی (۱۶۰۰ م) می‌گذشت. با توجه به اهتمام بریتانیا بر نفوذ فرهنگی در هند، در کنار نفوذ سیاسی و اجتماعی، بی‌گمان در آن دوران شرایط مغتنمی برای آشنایی بسیاری از دانشمندان هندی با آراء فلاسفه و متفکران غربی و بالعکس فراهم آمده بود. مستندی در دست نیست که مطالعه‌ی آثار ادبی و فلسفی غرب را توسط بیدل به اثبات برساند. باین حال بعید نیست که بیدل حداقل به صورت غیرمستقیم با تلاش‌های فکری قرون هفدهم و هجدهم اروپا آشنایی اجمالی داشته باشد.

از سوی دیگر هند با برخورداری از گنجینه‌ی عظیم فلسفی و ادبی، مورد اقبال بسیاری از اندیشمندان اروپایی آن روزگار بوده است. بی‌تردید مطالعه‌ی تطبیقی آثار این دوران میان هند و غرب می‌تواند وجود مناسبات گسترده‌ی را نشان دهد. البته چنین مطالعه‌ی باید بدون هرگونه سطحی‌نگری، شتابزدگی و پیشداوری صورت پذیرد؛ گاه شباهت‌های ظاهری میان بعضی از اندیشه‌ها می‌تواند موجبات کج‌اندیشی‌های عمیقی را فراهم آورد. به عنوان مثال بی‌نی از بیدل به علت شباهت ظاهری به نظریه‌ی «تکامل انواع» داروین (۱۸۰۹-۱۸۸۲ م) گاه این سوء تفاهم را محتمل کرده است که بیدل حدود یک قرن قبل از داروین، کاشف این نظریه و بدان باورمند بوده است. بیدل گفته است:

هیچ‌شکلی بی‌هیولا قابل صورت نشد

آدمی هم پیش از آن کآدم شود بوزینه بود

با این وصف، هرگونه مقایسه‌ی علاوه بر دارا بودن شرایط مقایسه، می‌بایست

توسط پژوهشگری آگاه صورت پذیرد که خود به موضوع مورد مقایسه اشراف داشته، حتی در آن صاحب نظریه باشد.

«محمد اقبال لاهوری» اندیشمند فقید پاکستانی که خود از شعرای طراز اول شعر فارسی است، آشنایی عمیقی با ادوار شعر فارسی و نیز سبک متأخر موسوم به هندی و شاعران بلندپایه‌ی آن همچون نظیری نیشابوری، طالب آملی و بیدل و غالب و دیگران داشته و ضمن تأثیرپذیری از آنان، نظریات انتقادی مهمی درباره‌ی بعضی از ایشان مطرح کرده است؛ مثلاً مصرع غزلی از نظیری نیشابوری را چنین تضمین کرده است:

نظیری:

گریزد از صف ما هر که مرد غوغا نیست
کسی که کشته نشد از قبیله‌ی ما نیست
اقبال:

به ملک جم ندهم مصرع نظیری را
«کسی که کشته نشد از قبیله‌ی ما نیست»

اقبال همچنین به استقبال بسیاری از غزل‌های نظیری غزل سروده است. او در اهدانامه‌ی کتاب «ضرب کلیم» خود به نام فرمانروای ایالت اسبق بهوپال (Bhou Pal)، نواب حمیدالله خان (م ۱۹۶۰) مصرعی از طالب آملی را چنین تضمین کرده است:

اعلیٰ حضرت نواب سرحمیدالله خاں فرمانروائے بهوپال کی خدمت میں
زمانہ با امم ایشیا چه کرد و کند
کسی نبود که این داستان فروخواند
تو صاحب نظری آنچه در ضمیر من است
دل تو بیند و اندیشه‌ی تو می‌داند
بگیر این همه سرمایہ‌ی بہار از من

«که گل به دست تو از شاخ تازه‌تر ماند» (اقبال و شاعران فارسی‌گوی، محمد ریاض ص ۱۱۲)

اعتنای اقبال به شاعران دیگر سبک هندی نظیر «میرزا جلال اسیر اصفهانی» که هیچ‌گاه در هندوستان نبوده‌اند نیز جالب است و نشان از شناخت گسترده‌ی بیدل از شاعران سبک هندی داشته است؛ مثلاً در ضمن نامه‌یی به شاکر صدیقی مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۱۵ کلام و غزل جلال اسیر را از نظر انتخاب واژه‌های خوب و ترکیبات لایق مورد بررسی قرار داده است. (همان، ص ۱۱۲)

اقبال نسبت به «غالب دهلوی» نیز توجه خاص داشته و او را «بزرگ‌ترین شاعر فارسی‌گوی شبه‌قاره و سرمایه‌ی ملی مسلمانان آن سامان» می‌دانست. او همچنین قصیده‌یی در وصف میرزا غالب سروده است.

با همه‌ی اینها، به نظر می‌رسد که آشنایی و علاقه‌ی اقبال به جهان‌بینی و اندیشه‌ی بیدل بیش از دیگر شاعران سبک هندی، حتی غالب دهلوی، بوده است. اقبال علاوه بر تمجیدی که در متون نثر خویش از بیدل به عمل می‌آورد، در شعر نیز به او نظر داشته است. بسیاری از مباحث مطرح شده در شعر بیدل، چون حیرت، عقل و عشق و غیره، از مباحث مورد علاقه‌ی اقبال نیز بوده است. همچنین بعضی از ترکیبات خاص اشعار بیدل همچون ذوق خرام، توسن ادراک، ذوق تبسم، قافله‌ی رنگ و بو، برق تجلی، مزرع تسلیم و نیز برخی از معانی بیدل در اشعار اقبال به ویژه در اردو دیده می‌شود. اقبال برای دانشجویان رشته‌ی فارسی انتخابی از نظم و نثر بیدل تهیه کرده بود که از سال ۱۹۲۶ م تا چند سال بعد جزو برنامه درسی دوره‌ی لیسانس دانشگاه پنجاب لاهور قرار گرفت. متن شامل ۱۶ صفحه بوده و تلخیصی از آن در مقالات استاد حمید احمد خان در کتاب «شخصیت و شاعری اقبال» آمده است. (همان، ص ۱۲۴)

از سوی دیگر مطالعات عمیق اقبال در عرفان و فلسفه‌ی شرق و غرب از او اندیشمندی یگانه ساخته بود. کتاب‌های «سیر حکمت در ایران» و نیز «بازسازی بنای اندیشه‌ی دینی در اسلام» که هر دو به انگلیسی نوشته شده‌اند و به فارسی نیز ترجمه شده، نشان از عمق تفکر و شناخت و اندیشه‌ی اقبال خبر می‌دهند. در کتاب پیش‌رو که در اصل بر مقاله‌ی منتشر نشده‌یی از اقبال بنا شده

است، علامه اقبال آراء و اندیشه‌های بیدل و هانری برگسون (۱۸۵۹-۱۹۴۱م) فیلسوف مشهور فرانسوی را در باب مسائلی چون حقیقت، حیرت، اشراق، حرکت و زمان و غیره مورد مقایسه و بررسی قرار می‌دهد. قبل از هر چیز عنوان مقاله‌ی اقبال این اعجاب را در خواننده ایجاد می‌کند که آیا در اساس چنین مقایسه‌یی ممکن یا محتمل است؟ بیدل را می‌توان با بزرگان اندیشه‌های عرفانی همچون مولانا جلال الدین و محیی الدین عربی و نیز شاعران بزرگ فارسی زبان همچون نظامی و خاقانی و صائب و دیگران به‌آسانی مقایسه کرد. می‌توان سراغ بسیاری از مفاهیم عرفان و فلسفه‌ی کهن هندی را در شعر بیدل جویا شد؛ اما مقایسه‌ی میان بیدل و برگسون آن هم در باب مفاهیم عمیقی چون ماهیت حقیقت هستی و زمان ناممکن می‌نماید. با این همه اقبال در این مقایسه میان شرق و غرب و میان بیدل و یک فیلسوف غربی، پیشتازی کامیاب بوده است.

در حقیقت آنچه این کتاب را خواندنی و نظریات طرح شده در آن را متقن و قابل باور می‌کند، بیش از همه اشراف گسترده‌یی است که اقبال به اندیشه‌های هر دو سوی مقایسه یعنی بیدل و برگسون دارد. آشنایی برگسون فرانسوی که حدود ۱۴۰ سال بعد از درگذشت بیدل (به سال ۱۷۲۰ م) به دنیا آمده، با اشعار بیدل بعید به نظر می‌رسد و وجود هر گونه مشابهت میان آراء این دو تنها می‌تواند برپایه‌ی مقدمات مشترکی صورت گرفته باشد که هر دو اندیشمند از آن بهره‌مند بوده‌اند. از آغاز شناخت اروپاییان از بیدل و شعر و اندیشه‌اش اطلاعی در دست نیست و شاید تنها منبعی که می‌توانست برگسون را با ادبیات هند و نام بیدل به‌عنوان شاعر اندیشمند هندی آشنا کرده باشد، کتابی از «گارسن د. تاسی» Garcin de Tassy (۱۷۹۴ - ۱۸۷۸ م) مستشرق فرانسوی در تاریخ ادبیات هندویی و هندوستانی (*Histoire de la littérature hindou et hindoustani*) باشد که چاپ نخست آن در سال ۱۸۳۹ به فرانسه و در پاریس انتشار یافته بود. این نیز البته تنها یک گمانه‌زنی بعید است.

باری، کتاب «حقیقت و حیرت» نخستین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی در آکادمی اقبال پاکستان با عنوان «مطالعه‌ی بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون» چاپ و منتشر شده است. مترجم ارجمند این کتاب به فارسی آقای دکتر علی بیات، دانشیار زبان و ادبیات اردو دانشگاه تهران بر بنده منت گذاشتند و تقاضای اینجانب و انتشارات پرنیان خیال را مبنی بر چاپ و انتشار ویراست تازه‌ی کتاب در ایران با روی باز پذیرفتند و علیرغم مشغله‌ی فراوان علمی، نسخه‌ی ویرایش شده‌ی کتاب را در اختیار بنده گذاشتند. دکتر بیات تاکنون آثار چندی را در معرفی ادبیات اردو که از بسیاری جهات مرهون ادبیات فارسی است به فارسی برگردانده است. به عنوان نمونه می‌توان از آثار زیر یاد کرد:

- زیب‌اللغات، فرهنگ اردو فارسی با همکاری خانم دکتر زیب‌النسا علیخان
- ترجمه‌ی اشعار شاعر معاصر اردو «افتخار عارف» با عنوان «پنجره‌یی به سمت باغ گمشده»، نشر ثالث، ۱۳۹۴

با آرزوی توفیق روزافزون، بدین وسیله مراتب امتنان خویش را نیز از ایشان اعلام می‌دارم.

✱

انتشارات پرنیان خیال مفتخر است که در راستای انتشار تخصصی آثار پژوهشی در حوزه‌ی شعر سبک هندی و شاعران گرانمایه‌ی آن، کتاب «حقیقت و حیرت، مطالعه‌ی بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون» را بر عهده گرفته است. افتخار مضاعف نشر این اثر در این است که علاوه بر بیدل، خوانندگان فارسی‌زبان را با افکار و آراء یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان و شاعران متأخر زبان فارسی یعنی علامه اقبال لاهوری آشنا می‌کند. امید که مورد اقبال و عنایت خوانندگان ارجمند واقع شود.

آذرماه ۱۳۹۵

دکتر محمدعلی شیوا

فهرست

۳	سخنی از مترجم
۷	آشنایی (مقدمه پروفیسور تحسین فراقی)
۳۱	مطالعه‌ی بیدل در پرتو اندیشه‌ی برگسون
۶۳	یادداشت‌های دکتر تحسین فراقی
۷۱	نمونه مقاله به دستخط اقبال

NOTES	76
Bedil in the Light of Bergson	104
Introduction(Tehsin Firaqi)	120

سخنی از مترجم

نویسندگان و روشنفکران زیادی، هریک به سهم خویش، در هر زبانی و در هر دیاری به اظهار نظر درباره‌ی آثار و افکار علامه دکتر محمد اقبال که در ایران به اقبال لاهوری شهرت یافته است، پرداخته‌اند و به حق این همه، سزاوار این اندیشمند بزرگ اسلامی است؛ اما در این راستا، هیچ چیز نمی‌تواند گویاتر و رساتر از کلام و نوشته‌های خود او باشد.

در شکوفایی فکری اقبال، افزون بر تحقیقات و کاوش‌های علمی خود ایشان، افراد برجسته‌ی بسیاری نیز نقش داشته‌اند. هگل، گوته، وردزورث، میرزا عبدالقادر دهلوی متخلص به بیدل و غالب کسانی هستند که علامه به استفاده‌های معنوی خویش از آنان، جابجا اعتراف نموده است.

میرزا عبدالقادر بیدل، شاعر پارسی‌گوی از خطه‌ی هندوستان است که به لحاظ زبان و تعابیر پیچیده‌ی خود، آن‌چنان که باید و شاید در ایران زمین مقبولیت به دست نیاورده است؛ هرچند که نویسندگان و محققان بزرگی اخیراً در مورد وی اقدام به تحقیقات مبسوطی کرده‌اند و آثاری به حلیه‌ی طبع آراسته‌اند، از جمله می‌توان به کتاب‌های «شاعر آینه‌ها» از استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، «بیدل سپهری و سبک هندی» از سید حسن حسینی، «آینه‌دار حیرت» از کامران زمانی (شرح غزلیات بیدل دهلوی)، «غزلیات بیدل دهلوی» به تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، «طاووس جلوه‌زار» مجموعه مقالات بیدل‌شناسی از سعید یوسف‌نیا که به تازگی توسط انتشارات پرینان خیال چاپ و منتشر شده و غیره اشاره کرد.

بیدل بنا به قول علامه اقبال، دارای مکتب فکری مرتب و منظمی نیست. او با غور و خوض در محیط اطراف خود سعی نموده است که برداشت‌های حکیمانه‌ی خود را به زبان شعر به مخاطب ارائه کند ولی بیشتر اوقات با بیانی دشوار و مغلق نمی‌تواند در مطالعه‌ی اولیه، هر خواننده‌ی را به خود جذب نماید. ولی حقیقت این است که او شاعری است با ایده‌های متعالی

و فیلسوفانه که با اندکی آشنایی به سبک هندی می‌توان از آن بهره‌مند شد؛ به قول دکتر شفیع کدکنی، بیدل کشوری است که روایت و ورود به آن، در اختیار هر کسی قرار نمی‌گیرد و اگر بر حسب اتفاق شخصی بتواند آن را دریافت کند، به محض ورود تقاضای اقامت دائم در آن خطه را خواهد نمود. وی در آسیای میانه، افغانستان و شبه‌قاره در زمره‌ی بزرگ‌ترین شعرای پارسی‌گوی قرار دارد و مردمان بسیاری شیفته‌ی کلام و شیوه و اسلوب او هستند.

در مقاله‌ی پیش رو اقبال سعی کرده است که با عنایت به نظریات پیشرفته‌ی فلسفی قرن اخیر و اندیشمندان غربی، کلام و افکار بیدل را بررسی و نقد نماید. هنری برگسون (۱۸۵۹ - ۱۹۴۱ میلادی) اندیشمند غربی که در جریان سفر سومین کنفرانس میزگرد جهانی، در سال ۱۹۳۲ میلادی با علامه اقبال ملاقات نمود، توانست در بنای فکری وی تأثیر بسیاری بگذارد. به همین خاطر اقبال در این بررسی، افکار و عقاید بیدل را با مقایسه‌ی افکار برگسون به بوته‌ی نقد و بحث می‌کشاند. وی در این مقاله می‌کوشد که افکار خود را در ضمن بیان آراء و عقاید این دو متفکر شرقی و غربی به خواننده منتقل سازد. وی با مطرح نمودن مباحث زمان و مکان و حرکت و... نظریات آن دو را متذکر شده و در نهایت مانند هر منتقد دیگر، آراء و نظریات خود را در باب هر یک بیان می‌کند.

اصل این مقاله را علامه اقبال به زبان انگلیسی نوشته است و حدود سی سال پیش توسط یکی از استادان محترم و دانشمند دانشکده‌ی خاورشناسی دانشگاه پنجاب، آقای دکتر تحسین فراقی، تدوین و به چاپ رسید. ایشان ضمن نگارش مقدمه‌ی، آن متن انگلیسی را به زبان اردو ترجمه و با ضمیمه کردن متن‌های انگلیسی مقاله‌ی علامه اقبال و مقدمه‌ی که خود درباره‌ی آن مقاله نوشته بود، هر دو را یکجا، در سال ۱۹۸۸ میلادی به چاپ رسانید. این کتاب مدتی بعد، یعنی در سال ۱۹۹۵ میلادی مجدداً تجدید چاپ شد. دکتر تحسین فراقی از جمله‌ی محققین فعالی است که درباره‌ی

علامه اقبال تحقیقات فراوانی انجام داده و مقالات و کتاب‌های متعددی نیز به نگارش درآورده است. از آنجاکه اینجانب افتخار تلمذ از محضر ایشان را دارد، پس از مطالعه‌ی کتاب مذکور، تصمیم به ترجمه‌ی متن اردو به زبان فارسی گرفتم تا فارسی‌زبانان نیز بتوانند از مطالعه‌ی کلام این متفکر بزرگ اسلامی بهره‌مند شوند. به همین منظور، ضمن در نظر داشتن متن انگلیسی، به این کار اقدام نمودم و در پایان طی چند نشست با استاد دکتر تحسین فراقی، سعی در رفع گره‌های موجود در اصطلاحات فلسفی و علمی کردم. به همین دلیل از کمک‌های فراوان ایشان در همین جا تشکر می‌کنم. همچنین اشاره به این امر نیز بایسته است که وی چه بر مقدمه‌ی که خود نوشته و چه برای متن اصلی مقاله، توضیحاتی هم ارائه کرده است. اینجانب نیز برای سهولت بیشتر خوانندگان محترم، ضمن ترجمه‌ی همان توضیحات، حواشی بیشتری را در هر کجا که احساس می‌شد می‌تواند در ذهن خواننده سؤال ایجاد کند، افزوده‌ام که به صورت (ب)، مشخص شده و در پانویست آمده است تا از توضیحات ارائه شده توسط آقای دکتر تحسین فراقی که در انتهای کتاب جای گرفته‌اند، مشخص باشند.

در برابر اصطلاحات فلسفی، گاهگاهی اصطلاح انگلیسی که خود علامه اقبال در متن انگلیسی بکار برده، نیز آورده شده است تا اگر خوانندگان گرامی، در ترکیب اصطلاح ارائه شده ابهامی ملاحظه کردند، بتوانند آن مطلب را بهتر متوجه شوند. همچنین در متن اصلی مقاله پس از نقل هر یک از اشعار فارسی علامه برای خواننده‌ی انگلیسی‌زبان، آن را تشریح نموده و برای اینکه حق امانت ادا شده باشد، آن توضیحات نیز ارائه شده است. این توضیحات همچنین در بسیاری از مواقع برای درک بهتر شعر بیدل خواننده را یاری خواهد نمود. (در پایان، متن مقاله و نیز مقدمه‌ی دکتر فراقی که هر دو به زبان انگلیسی می‌باشند، نیز افزوده شده است.)

پس از نخستین چاپ کتاب، این مقاله‌ی علامه اقبال مورد استقبال قرار

گرفت و نخستین بار در نشریه‌ی سپیده، زیر مجموعه‌ی روزنامه جام جم در شماره‌ی چهار خود به تاریخ جمعه ۸ خرداد ۱۳۸۸ در خبر شماره ۱۰۰۹۰۸۰۵۱۷۶۰ خود، با عنوان «یاران نرسیدند به داد سخن من، مبانی فلسفی بیدل در پرتو افکار برگسون»، تلخیصی را البته بدون اطلاع و هماهنگی با اینجانب چاپ و منتشر کرد. همچنین شاعر و پژوهشگر ارجمند آقای اکبر بهداروند نیز در جلد اول از مجموعه‌ی سه‌جلدی غزلیات بیدل دهلوی، تحت عنوان «شناخت بیدل در پرتو اندیشه‌های برگسون»، بدون اشاره به نام مترجم فارسی یعنی اینجانب و با ذکر نام تدوینگر اثر یعنی آقای دکتر تحسین فراقی به‌عنوان مترجم، مقاله‌ی علامه اقبال را به چاپ رسانده‌اند.

در چاپ و انتشار اولیه‌ی این کتاب در سال ۲۰۰۰ میلادی، توسط آکادمی اقبال در پاکستان، رئیس محترم وقت اکادمی، جناب آقای محمد سهیل عمر مشارکت داشته‌اند که در اینجا و در چاپ کتاب در ایران هم از کمک‌های ایشان سپاسگزاری خود را ابراز می‌دارم.

چندی پیش شاعر و محقق دلداده‌ی سبک هندی و همچنین صائب تبریزی و بیدل دهلوی، آقای دکتر محمدعلی شیخ‌الاسلامی (شیوا)، مدیر محترم انتشارات پرنیان خیال (ناشر تخصصی ادبیات سبک هندی) طی نشستی تجدید چاپ این کتاب را پیشنهاد دادند که مقرر شد پس از بازنگری و تصحیح مواردی که در چاپ نخست وجود داشت، این مهم انجام شود. اینجانب ضمن ارج نهادن به علاقه‌ی ایشان به سبک هندی، از پیشقدم شدن ایشان در چاپ این کتاب در ایران توسط انتشارات پرنیان خیال مراتب سپاس و قدردانی خود را ابراز می‌دارم.

مترجم

دکتر علی بیات

دانشیار گروه زبان و ادبیات اردو، دانشگاه تهران

آشنایی

علامه اقبال با شخصیت فراگیر خود از سنن شعری، فکری و فیلسوفانه‌ی شرق و غرب بهره‌ی کافی برده است. وی افزون بر میدان شعر و شاعری، نثر را نیز جولانگاه افکار خویش قرار داد. گذشته از دو اثر مستقل در نثر به زبان انگلیسی^۱ سخنرانی‌های متعدد، اظهاریه‌ها و دیباچه‌ها و مقالات بسیاری نیز از ایشان به‌جای مانده که به‌صورت مجموعه‌هایی مرتب و چاپ شده‌اند. با این وجود، به‌نظر می‌رسد هنوز تحقیقات بسیاری در نظم و نثر از ایشان موجود باشد که تاکنون به حلیه‌ی طبع آراسته نشده‌اند.

چندی پیش، نویسنده به مقاله‌یی در زبان انگلیسی با کمک جناب محمد سهیل عمر^۲ برخورددم که به دست خود علامه با عنوان *Bedil in the light of Bergson* نگارش یافته و اکنون در «موزه‌ی اقبال»^۳ نگهداری

۱- دو اثر ایشان به انگلیسی عبارتند از یک: (The Development of Metaphysics in Persia)، که این کتاب توسط دکتر امیرحسن آریان‌پور با نام «سیر فلسفه در ایران» به فارسی ترجمه شده است. (۱۹۶۸ م) و دومین اثر (The Reconstruction of Religious Thought in Islam) است که توسط آقای احمد آرام با عنوان «احیای فکر دینی در اسلام»، به فارسی ترجمه شده است. (۱۹۶۷ م). (ب.)

۲- رئیس سابق آکادمی اقبال در لاهور بود. (ب.)

۳- منظور منزل شخصی ایشان است که به موزه تبدیل شده است. در این موزه دست‌نوشته‌ها و نیز لوازم شخصی اقبال نگهداری می‌شود. (ب.)

می‌شود، بنا به درخواست بنده، مسئول موزه جناب مسعود الحسن کوکر با اجازه‌ی دکتر جاوید اقبال^۱ از آن مقاله نسخه‌ی تصویربرداری کرده در اختیار این جانب قرار داد که بعد از مرتب نمودن، آن را در شمارهی مربوط به اکتبر و دسامبر سال ۱۹۸۶ میلادی مجله‌ی Iqbal Review به چاپ رساندم.

از آنجاکه این مقاله نیز همانند دیگر نوشته‌های علامه اقبال، دیدگاه ایشان را در باب برخی مسائل مهم بیان می‌کند، با مشورت برخی از دوستان آن را به زبان اردو ترجمه کردم تا خوانندگان بیشتری توانایی بهره‌یابی از آن را داشته باشند. در ترجمه‌ی مقاله به زبان اردو، در مواقع بروز مشکل از پیشنهادات ارزنده‌ی جناب احمد جاوید و جناب سهیل عمر یاری جسته‌ام. در اینجا مراتب قدردانی و تشکر خود را نسبت به ایشان اعلام می‌دارم.

قبل از هر سخن در باب مقاله‌ی مذکور، لازم است درباره‌ی مقاربت یا مغایرت فکری اقبال، بیدل و برگسون اشاره‌ی اجمالی ارائه گردد. اقبال از آغاز بلوغ فکری خود تا واپسین لحظات زندگی، به تعریف و تمجید شاعری و تصوّر پویای بیدل^۲ در باب زندگی پرداخته است. در بیشتر نامه‌ها، اشعار، یادداشت‌ها^۳ و نوشته‌های گوناگون او از بیدل یاد شده است. در نامه‌ی برای اس. ام. اکرام، نویسنده‌ی کتابی راجع به غالب دهلوی^۴، علامه ضمن ستایش از آن کتاب، برتری بیدل را به غالب دهلوی

۱- دکتر جاوید اقبال (۲۰۱۵-۱۹۲۴ م) فرزند علامه اقبال و رئیس بازنشسته دیوان عالی شهر لاهور که به اردو و انگلیسی کتاب‌های متعددی نوشته است. (ب.)

۲- میرزا عبدالقادر بیدل عظیم‌آبادی متخلص به «بیدل» (۱۰۵۴-۱۱۳۳ ه.ق) شاعری پارسی‌گوی در هند. (ب.)

۳- مجموعه یادداشت‌های علامه‌ی اقبال به انگلیسی که توسط دکتر جاوید اقبال با نام Stray Reflections جمع‌آوری و مرتب شده است. این کتاب توسط دکتر محمد ریاض با عنوان «یادداشت‌های پراکنده علامه محمد اقبال» ترجمه شده و توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در سال ۱۳۶۷ چاپ شده است. (ب.)

۴- میرزا غالب دهلوی (۱۷۹۹-۱۸۶۹ م) شاعر و نثرنگار هندی که به فارسی وارد آثار زیادی دارد. (ب.)

بدین گونه بیان نموده است:

من همیشه اعتقاد داشته‌ام که غالب در تقلید از بیدل موفق نبوده است. وی فقط به تقلید لفظی پرداخته و اشعار او از معنویت اشعار بیدل، بی‌بهره می‌باشد. رهوار فکر بیدل برای همعصران او نیز گریزپا بوده است [۱].

برای اثبات این ادعا همین کافی است که معاصرین بیدل، چه در هندوستان و چه در خارج از هندوستان و نیز دیگر شیفتگان شعر فارسی از درک تصوّر زندگی وی قاصر بوده‌اند.

در نامه‌یی دیگر برای میان بشیر احمد^۱ ضمن پافشاری به مطالعه‌ی تطبیقی بین بیدل و غالب، به نکات قابل توجهی اشاره نموده است:

برای فهم صحیح کلام فارسی ایشان (میرزا غالب) و جنبه‌های گوناگون تعلیم ایشان، باید به دو مسئله توجه کامل داشت. نخست اینکه در دنیای شعر و شاعری، میرزا عبدالقادر بیدل و غالب چه ارتباطی با هم دارند؟ و دوم اینکه تا چه حدی نظریات بیدل در مورد زندگی بر ذهن و فکر غالب تأثیر داشته است و میرزا غالب تا چه میزان در فهم این نظریه‌ها موفق بوده‌اند.

علامه در جایی در جواب سؤال مجید ملک^۲ می‌فرماید که اسلوب شاعری بیدل در اردو نتوانست رایج شود. در مجموعه‌یی با نام «یادداشت‌های پراکنده» یا Stray Reflections که علامه ضمن مطالبی دیگر، مراتب ارادت خود را به بعضی از شعرا و فلاسفه و نیز فیض‌یابی از آنها اظهار داشته است، بیدل نیز از جمله‌ی کسانی است که علامه نهایت ارادت خویش را نسبت به او اظهار کرده است. در جایی می‌نویسد:

۱- میان بشیر احمد (۱۸۹۳ - ۱۹۷۱ م): یک ماهنامه‌ی ادبی به نام «همایون» به نام پدرش انتشار می‌داد. وی مدتی به عنوان سفیر پاکستان در ترکیه انجام وظیفه کرده است. (ب.)

۲- مجید ملک (۱۹۰۲ - ۱۹۷۶ م). (ب.)

من به این امر اعتراف می‌کنم که از هگل^۱، گوته^۲، میرزا غالب، عبدالقادر بیدل و وردزورث^۳ بسیار بهره برده‌ام. هگل و گوته در روشن شدن حقایق باطنی اشیاء مرا راهنمایی کرده‌اند. از بیدل و غالب نیز آموخته‌ام که با وجود هضم ارزش‌های شعر غربی، در احساس و طرز اظهار خود چگونه روح شرقی را زنده نگهدارم و به کمک وردزورث از خطر سقوط به دهریت و الحاد، در زمان دانشجویی رسته‌ام.^۴

در مجموعه‌ی یادداشت‌های پراکنده، در مبحثی تحت عنوان «حیرت» وی ضمن مقایسه بین افلاطون و بیدل می‌گوید که در این باب نظریات آنها بایکدیگر متعارض هستند:

افلاطون می‌گوید که حیرت مادر تمام علوم است؛ ولی میرزا عبدالقادر به آن از زاویه‌ی دیگری می‌نگرد. در شعری می‌گوید:

نزاکت‌هاست در آغوش میناخانه‌ی حیرت

مژه بر هم مزن تا نشکنی رنگ تماشا را

افلاطون به این دلیل حیرت را با ارزش می‌داند که حس کنجکاوی ما در مورد طبیعت تحریک می‌شود ولی برای بیدل حیرت، گذشته از نتایج ذهنی، فی‌نفسه ارزشمند است. برای بیان این عقیده هیچ سخنی نمی‌تواند به‌اندازه‌ی این شعر بیدل رسا باشد.^۵

جالب اینجاست که علامه در دیباچه‌ی چاپ اول مثنوی «اسرار خودی» این شعر بیدل را دال بر سکون‌پسندی بیدل ارائه کرده است. شاهدی دیگر برای اثبات شیفتگی علامه نسبت به بیدل از یک مقاله از مقالات

۱- هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱ م) فیلسوف برجسته آلمانی، مهم‌ترین اثر او «جدلیات» نام دارد. (ب.)

۲- گوته: John Wolfgang Wen Goethe (۱۷۵۹-۱۸۰۵ م) شاعر معروف آلمانی. (ب.)

۳- Wordsworth ووردزورث (۱۷۷۰-۱۸۵۰ م) شاعر رومان‌تیک انگلیسی بود. (ب.)

۴- Stray Reflections ص ۶۱. (ب.)

۵- Stray Reflections ص ۸۳. (ب.)

پروفسور حمید احمد خان^۱ به دست می‌آید که وی از علامه اقبال چنین روایت می‌کند که زمانی علامه مجموعه‌یی از منتخبات بیدل داشت. مزید بر آن در برنامه‌ی درسی دوره‌ی کارشناسی زبان فارسی (در سال ۱۹۲۶ م) که علامه عضو گروه فارسی دانشگاه بود، قسمت‌هایی از کتاب «نکات بیدل»^۲ را انتخاب کرده و برای مواد درسی آن دوره تدوین نمود.

از این مجموعه، از یک‌سو به نظریات حکیمانه و دقت و کار نادر ایشان می‌توان پی‌برد و از سوی دیگر مماثلت فکر علامه و بیدل نیز بر ما روشن می‌شود. برای روشن‌تر شدن بیدل‌شناسی اقبال همین بس که گاهی اقدام به تضمین برخی از بیت‌های بیدل می‌کند و گاهی نیز به تشریح روشنگرانه‌ی ابیاتی از بیدل می‌پردازد.

در جایی دیگر می‌بینیم که کشن پرشاد^۳ را برای تصحیح و تدوین دیوان بیدل تشویق می‌نماید. زمانی به مطالعه‌ی تطبیقی در مقوله‌ی تصوّف نزد بیدل و غالب دهلوی می‌پردازد و تصوف غالب را ساکن و ایستا و تصوف بیدل را پویا و روان تلقی می‌کند.^۴

علامه اقبال نه‌تنها در آثار نثری خویش بیدل را یادآور می‌شود بلکه در نظم نیز در دو جا از وی یاد می‌کند. در شعری با عنوان «مذهب» در مجموعه‌ی «بانگ درا» از بیدل به‌عنوان مرشد کامل یاد کرده، متذکر می‌شود که پایه‌ی علوم جدید بر مبنای محسوسات است در حالی که نقطه‌نظر بیدل با شعر ذیل مطابقت دارد:

۱- پروفسور حمید احمد خان: (۱۹۰۳-۱۹۷۴) از اساتید بزرگ اسلامیه کالج لاهور که به مدت پنج سال ریاست دانشگاه پنجاب را بر عهده داشته‌است. (ب)

۲- نکات بیدل: یکی از کتاب‌های مشهور بیدل است که چندین بار منتشر شده و به زبان اردو نیز ترجمه شده‌است. (ب)

۳- سر کشن پرشاد (۱۹۴۰-۱۸۶۴ م) شاعری از هندوستان که به اردو و فارسی شعر می‌سرود و «شاد» تخلص می‌کرد وی از دوستان بسیار نزدیک علامه بود. (ب)

۴- کتاب The Poet of the East (۱۹۶۱ م) از عبدالله انور بیگ ص ۲۰۰۲. (ب)

با هر کمال اندکی آشفتگی خوش است

هر چند عقل کل شده‌ای بی جنون مباش

علامه شعر مذکور را در شعر «مذهب» تضمین کرده و بدین گونه به نحوی زیبا به تشریح فلسفه‌ی زندگی خود پرداخته است. همچنین در مجموعه‌ی «ضرب کلیم» در شعری با عنوان «میرزا بیدل» در حل مشکلات ماهیت کائنات می‌کوشد و ضمن تضمین شعر زیر اظهار می‌دارد که بدین گونه در این حیرت‌کنده گشوده می‌شود:

دل اگر می‌داشت وسعت، بی‌نشان بود این چمن

رنگ می‌بیرون نشست از بس که مینا تنگ بود

شاید این سؤال به ذهن برسد که چرا اقبال تا این حد بیدل را می‌ستاید؟ به نظر می‌رسد در جواب بتوان گفت که نقطه نظر هر دو در مورد مسئله‌ی حق و واقعیت بسیار به هم نزدیک است، اگرچه باید گفت که در باب مسئله‌ی حق و حقیقت، اقبال در چندین مورد اعتراضات شدیدی نیز ابراز داشته ولی در کل، بصیرت کامل و عمیق بیدل نسبت به روح انسانی باعث شده است که علامه وی را مورد ستایش قرار دهد.

از سوی دیگر می‌بینیم که اقبال و بیدل، اشراق^۱ را وسیله‌ی می‌دانند که می‌تواند در تفهیم کائنات معاونت کند و عقل‌گرایی صرف را کافی نمی‌دانند. هردو، بشر را موجودی عظیم می‌بینند که با استفاده از نیروی موجود در خود می‌تواند به دیگر قوای طبیعت فائق آمده، به مراتب والای هستی نائل شود. بیدل با کمک تشبیهات و استعارات و سمبل‌های بسیار سعی می‌کند این حقیقت را اظهار نماید.

در جایی می‌گوید که کوه سینا نیز که از انوار الهی متجلی شد، نور خود را از همان کرم شتاب یعنی از همان قلب منور از نور الهی انسان به عاریت گرفته

۱- «اشراق» معادل "Intuition" می‌باشد و نباید با اصطلاح اشراق در فلسفه شیخ شهاب‌الدین سهروردی اشتباه گرفته شود. (ب.)

است. بدین طریق به عظمت بشری اعتراف می‌کند. در جای دیگر بشر را به برطرف کردن پرده‌ها و حجاب‌های حائل بر دل خود تشویق می‌کند. در ذیل، چند بیت از اشعار بیدل ذکر می‌شود که ما را در فهم دیدگاه زندگی وی بسیار یاری می‌کند، لازم به ذکر است که ویژگی‌های نسلی بیدل در نظریه‌ی پویایی حیات او بسیار مؤثر می‌باشد.

برون دل نتوان یافت هرچه خواهی یافت
کدام گنج که در خانه‌ی خراب تو نیست

✽

حیف نشکافتیم پرده‌ی دل
دانه بود است مهر خرمن‌ها

✽

کدام رمز و چه اسرار؟ خویش را دریاب!
که هرچه هست نهان غیر آشکار تو نیست

✽

هر دو عالم خاک شد تابست نقش آدمی
ای بهار نیستی از قدر خود هشیار باش

✽

بر زبان نامِ آدمم آمد
در نظر هر دو عالمم آمد

✽

موج دریا در کنارم، از تگ و پویم می‌پرس
آنچه من گم کرده‌ام نایافتن گم کرده‌ام

✽

ای طلب در وصل هم‌مشکن غبار جستجو
آتشم گر زنده می‌خواهی ز پاننشان مرا